



تحلیل سیاست‌گذارانه کاربست هوش مصنوعی در دانش فقه: فرصت‌ها و چالش‌های تحول آفرین

علی محمدیان^۱

چکیده

بی‌تردید در میان علوم اسلامی، دانش فقه از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ زیرا این شاخه از معارف دینی، افزون بر تکفل بیان نحوه زیست عملی مکلفان، در نظم حقوقی و چارچوب سیاست‌گذارانه کشور نیز جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به‌طوری که قوانین موضوعه کشور باید از فقه غنی امامیه اخذ شده یا دست‌کم در تعارض با آن قرار نگیرند. از این رهگذر کاوش پیرامون آن از اهمیتی مضاعف برخوردار می‌شود. از دیگر سوی، شتاب فزاینده دانش در عصر جدید، منجر به ایجاد تکنولوژی‌هایی از قبیل هوش مصنوعی شده است که می‌توانند در خدمت بشر قرار گرفته و روند ارتقای دانش را تسریع بخشند. جستار حاضر نظر به اهمیت بحث و خلاء پژوهشی موجود، کوشیده است مزایا و معایب (چالش‌ها) کاربست هوش مصنوعی را در دانش فقه بررسی نماید. رهاورد پژوهش نشان می‌دهد فناوری مزبور دست‌کم در سه موضع می‌تواند یاری‌رسان پژوهشگر یا مجتهد قرار گیرد؛ تسریع و تسهیل فرآیند استنباطات فقهی، ایجاد بانک داده‌های فقهی و تسهیل آموزش فقه. در مقابل کاربرد این فناوری با چالش‌هایی نیز مواجه می‌باشد از جمله وابستگی هوش مصنوعی به داده‌های ورودی، فقدان ملکه اجتهاد در عامل هوش مصنوعی و مسئله مسئولیت‌پذیری آن. نگارنده کوشیده است در خلال سطور مقاله، هر یک از مواضع پیشگفته را با رویکردی توصیفی-تحلیلی، مورد ارزیابی، شرح و بسط قرار دهد و البته پیمودن این مسیر، مستلزم تکمیل و پیمایش گام‌های دیگر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها:

فقه، هوش مصنوعی، فرصت‌ها، چالش‌ها، تحول، علوم انسانی

۱۶

دوره ۴، شماره ۴، پیاپی ۱۶
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴-۰۷-۰۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۱۲-۰۳

صص: ۵۳-۳۷

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی صحت‌گواهی‌در:
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران

(نویسنده مسئول). mohammadian@buqaen.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسأله

دانش فقه به مثابه یکی از غنی‌ترین و قدیمی‌ترین شاخه‌های علوم اسلامی، وظیفه تشخیص و تبیین احکام شرعی، یعنی آن دسته از احکام که به افعال مکلفان در حوزه‌های فردی و اجتماعی، تعلق می‌گیرد را بر عهده دارد (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰؛ عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۹۰). گستره فقه امامیه، هم از لحاظ منابع و مستندات و هم از حیث قلمرو موضوعات، همواره در معرض تحول و بازاندیشی بوده است. یکی از چالش‌های اساسی در دهه‌های اخیر، نحوه مواجهه فقه با تحولات ایجاد شده در فناوری‌های نوین است؛ فناوری‌هایی که نه تنها سبک زندگی و زیست مکلفان را دگرگون کرده‌اند، بلکه گاه بر ساز و کارهای تولید و پردازش معرفت نیز اثرگذار بوده‌اند. در این میان، هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) یکی از ابزارهایی است که با قدرت تحلیل، یادگیری، تصمیم‌سازی و الگوریتم‌سازی، ابعاد گوناگون حیات آدمی را دستخوش تغییر نموده و اکنون در مرز ورود به قلمروهای معرفت دینی و استنباط شرعی قرار دارد.

هوش مصنوعی در شکل پیشرفته خود، نه تنها یک ابزار محاسباتی، بلکه مجموعه‌ای از سامانه‌های هوشمند است که با بهره‌گیری از داده‌های انبوه، یادگیری ماشین، تحلیل الگوهای زبانی و رفتاری و پردازش داده‌ها، قادر است ساختارهایی شبیه به تفکر انسانی را شبیه‌سازی و مدل‌سازی کند. این ظرفیت، در فضای علوم دینی نیز با استقبال یا تردیدهایی مواجه شده است. البته در برخی رشته‌ها مانند علوم حدیث، تفسیر، رجال یا تاریخ اسلام، کاربرد هوش مصنوعی در تحلیل اسناد، طبقه‌بندی داده‌ها یا کشف روابط متنی، تقریباً پذیرفته شده و در حال توسعه است؛ اما در فقه، به مثابه دانشی اجتهادی، این پرسش همچنان به صورت جدی مطرح است که آیا می‌توان از هوش مصنوعی در مکانیزم اجتهاد و تفقه استفاده نمود؟ و در صورت پاسخ مثبت به این سؤال بنیادین، حدود و ثغور این استفاده تا کجا بوده و چه فرصت‌ها و تهدیدهایی از رهگذر این کاربرد برای دانش فقه متصور می‌باشد؟ چه‌اینکه بی‌تردید، ورود هوش مصنوعی به ساحت دانش فقه، صرفاً به معنای استفاده از یک ابزار سریع‌تر یا دقیق‌تر نیست، بلکه به معنای گشوده شدن راهی برای تحلیل داده‌های فقهی، مدل‌سازی ساختار استنباط و تولید سامانه‌هایی است که به شکل خودکار یا نیمه‌خودکار، به پرسش‌های فقهی پاسخ می‌دهند.

این مسئله اگرچه از یک سو امیدهایی در جانب ارتقاء آموزش فقه، سهولت جست‌وجو در منابع، پاسخ‌گویی به نیازهای مستحدثه و دسترس‌پذیری عمومی‌تر به فتاوا ایجاد نموده است؛ اما از سوی دیگر، به نوبه خود نگرانی‌هایی همچون تنزل نهاد اجتهاد به الگوریتم را نیز در پی داشته است.

البته نباید از نظر دور داشت که بخشی از این چالش‌ها به ماهیت فقه بازگشت دارد؛ چه‌اینکه فقه اگرچه دانش استخراج حکم است؛ اما همزمان، دانشی است مبتنی بر ملکه اجتهاد، فهم متغیرهایی بسیار تأثیرگذار از جمله شرایط زمان و مکان، شناخت مکلف و نیت او و نیز آگاهی عمیق از مقاصد ناظر به شریعت (در این زمینه ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص: ۲۷۰؛



جناتی شاهرودی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۲۵). ادر مقابل توانایی هوش مصنوعی در ادراک موارد مورد اشاره، محل تردید بوده و این تکنولوژی در ظاهر، صرفاً قادر به تحلیل آماری و منطقی داده‌ها می‌باشد. همچنان‌که بنظر می‌رسد ابزار هوش مصنوعی فاقد قوه تمییز میان منابع معتبر و غیرمعتبر، ظواهر و باطن نصوص، تعارضات ادله و قیود شرعی می‌باشد؛ مگر اینکه شخص فقیه یا فردی که در امر فقه خبرویت دارد بر نحوه کارکرد آن نظارت تام داشته باشد.

با توجه به مراتب مزبور، ضرورت پژوهش در باب امکان سنجی و آسیب شناسی استفاده از هوش مصنوعی در دانش فقه، امری غیر قابل انکار می‌نماید. چنین ضرورت از چند جنبه قابل تحلیل خواهد بود؛ نخست: توسعه کاربرد هوش مصنوعی در حوزه عمومی و آموزشی که طبعاً و ناگزیر، بر فضای دانش فقه و استخراج فتاوا نیز اثرگذار خواهند بود. ثانیاً: افزایش موضوعات مستحدث و پیچیدگی موضوعات فقهی جدید که بر سبب آن‌ها در دنیای معاصر نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای تحلیلی دقیق و چندرشته‌ای خواهد بود. ثالثاً: تقاضای رو به رشد جامعه در جهت پاسخگویی سریع، قابل دسترس و دقیق به مسائل شرعی که به نوبه خود استفاده از فناوری‌ها و تکنولوژی‌های جدید را می‌طلبد.

از این حیث، لازم است کاربرت هوش مصنوعی در فقه، از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار گیرد؛ از جمله اینکه از یک سو فرصت‌ها و ظرفیت‌های هوش مصنوعی ناظر به دانش فقه در محک سنجش قرار گرفته و از سوی دیگر تهدیدها و آسیب‌های آن نیز به نیکی تبیین گردد تا از این رهگذر در استفاده از آن، پیمایش مسیر، با احتیاط و درنگ صورت پذیرد. در همین راستا مقاله حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی، ابتدا چیستی هوش مصنوعی و نسبت آن با علم فقه را تبیین خواهد نمود. در ادامه به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های این فناوری در مکانیزم اجتهاد و تفقه می‌پردازد.

۲- پیشینه پژوهش

موضوع تعامل هوش مصنوعی و علوم اسلامی، در سال‌های اخیر به تدریج وارد فضای علمی و مطالعات میان‌رشته‌ای شده و زمینه‌ساز تولید مقالات، پایان‌نامه‌ها و نشست‌های علمی متعددی شده است. با این حال، حوزه فقه اسلامی، به دلیل ماهیت خاص خود، همچنان با رویکردی احتیاطی و سواستی خاص نسبت به این فناوری نوین برخورد کرده است و در

۱. شهید مطهری معتقد است اصطلاحاتی که اندیشمندان اسلامی برای دانش فقه (استخراج حکم شرعی از منبع دینی) بکار بردند چنانکه از این بخش عمیق است که این دانشمندان از هوش مصنوعی در ابتدا در مکتب بودند درک روح و ژرفای علم اسلامی به تأمل و کوشش همگامانه و مداوم، نه صرفاً نگاه سطحی و فهمی عرفی. شیخ ابوالوازه فقه را به عنوان این دانش برگزیدند که در لغت به معنی نفوذ به عمق و رسیدن به لایه‌های بنیادین است. کما اینکه راغب اصفهانی در اثر گرانقدر خود «مفردات» معتقد است: «الْفَقْهُ هُوَ التَّوَصُّلُ إِلَى عِلْمِهِ لِبَيْتِهِ بِعِلْمِهِ هِدْيَةٌ» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۶۴؛ طریح، ۱۳۷۴، ص ۳۵۵). یعنی فقیه به بهره‌گیری از دایره‌های ملموس به کشف حقایق ناملموس می‌رسد. این اندیشمندان، فرآیند فهم عمیق دین را اجتهاد می‌نامیدند که ریشه‌های مشترک با اجتهاد دارد. هر دو واژه به معنی کوشش و کفایت می‌تواند داشته باشد. اما مصروف داشتن لفظ تولد لفظ است. با این‌که لفظ که معمولاً در مواجهه با دانشمندان بیرونی بکار بردن می‌شود، اما آنکه اجتهاد در مواجهه با شیخ فکری و استنباط حکم از منبع دینی بکار می‌رود. این لفظ به ندرت می‌تواند یادآور آن است که علم اسلامی عرصه فهم دین را چنان گسترده و ژرف می‌پنداشتند که صرف بخشی از تولد لفظ را برای آنکس نمی‌دانستند؛ بلکه بکار می‌رفتند. لفظ فقه را ضروری می‌شمردند. اصطلاح کلیدی دیگری که در این زمینه بکار می‌رود، استنباط است. این واژه گوشتی‌نگرش ویژه پیشین و نسبت به فرآیند فهم حکم است. استنباط در لغت به معنی استخراج آب از زلفه‌هاست. فقه اسلامی به این حقیقت واقف بودند که در پسرطرها و جرح‌ها، عمیقیت از هوش مصنوعی به نفع نیست. از این رو، هر فردی به آتش الهی مقصد نمی‌تواند و دست‌ورزی آن‌ها نیست. اما آنکه که می‌تواند با مراجعه مستقیم به منبع فقهی، حکم شرعی را استخراج کند. اینک لفظ فقه به معنی تولد لفظ کشف سرچشمه است. لفظ تولد معنی از زلفه‌هاست. لفظ فقه هوش مصنوعی (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۴).

مجموع، پیشینه موجود نشان می‌دهد که بحث کاربست هوش مصنوعی در دانش فقه هنوز در مراحل مقدماتی قرار داشته و نیازمند پیمایش گام‌های دیگر و بازخوانی دقیق‌تر از منظر فقه، اصول فقه و فلسفه فقه می‌باشد.

در عین حال، در ساحت پژوهش‌های دینی و اسلامی، تبعات چندی صورت گرفته است که در این قسمت به معرفی پاره‌ای از این تحقیقات به عنوان پیشینه عام پژوهش پرداخته می‌شود. از باب نمونه در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی فقهی مسئولیت مدنی در فناوری هوش مصنوعی» (حسینی و همکاران، ۱۴۰۳)، نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که از آنجا که ربات فاقد شخصیت حقوقی می‌باشد، بنابراین نمی‌توان مستقیماً خود او را ضامن جبران خسارت قلمداد کرد؛ بلکه حسب مورد باید مالک، متصرف یا سازنده ربات را مسئول تدارک خسارت تلقی نمود. در پژوهشی دیگر با عنوان «مفهوم‌شناسی هوش مصنوعی به مثابه مبدا تصویری فقه و حقوق هوش مصنوعی» (سخاوتیان، ۱۴۰۳)، نویسنده سعی کرده است تعریفی جامع و مانع از هوش مصنوعی ارائه نماید.

برخی دیگر از پژوهش‌ها سعی کرده‌اند به صورت موردی و مصداقی، کیفیت کاربست هوش مصنوعی را در باب معینی از فقه مورد تحلیل و بررسی قرار دهند؛ از باب نمونه مقاله‌ای با موضوع «حکم تکلیفی به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی از منظر فقه امامیه» (طباطبایی و به‌نیا، ۱۴۰۱) کوشیده است نشان دهد که با چه قیودی می‌توان از فناوری هوش مصنوعی به عنوان قاضی در محاکم دادگستری، بهره‌برداری نمود. در جستاری دیگر با عنوان «بررسی فقهی حکم آموزش کسب و کار با عامل هوش مصنوعی» (محمدیان و ایزدی‌فرد، ۱۴۰۲)، نویسندگان به بررسی حکم فقهی کسب و کار در فرضی که صاحبان مشاغل با استفاده از هوش مصنوعی به معامله بپردازند، پرداخته است.

نوشتار فرارو، ضمن ارج نهادن به پژوهش‌های صورت گرفته، بر این مسئله تأکید دارد که علیرغم تبعات انجام شده، تاکنون پژوهشی که به صورت بنیادین و کلان به موضوع پژوهش حاضر بپردازد، انجام نشده است؛ از این حیث، مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی تحلیلی، درصدد پرکردن این خلأ، البته در حد وسع و بضاعت خود برآمده است.

۳- مفاهیم بنیادین پژوهش

در این قسمت برخی از اصطلاحات دخیل در پژوهش مورد تبیین دقیق مفهومی قرار می‌گیرند تا شناخت بهتری از موضوع حاصل شده و از ابهامات احتمالی پرهیز گردد.

۳-۱: هوش مصنوعی

بی‌تردید اهمیت هوش مصنوعی در دنیای امروز به میزانی است که می‌توان آن را به عنوان یک انقلاب تکنولوژیک در نظر گرفت. هوش مصنوعی توانایی انجام وظایف پیچیده‌ای که قبلاً فقط توسط انسان انجام می‌شد را دارد و می‌تواند در بسیاری از حوزه‌ها به بهبود کارایی، دقت و سرعت کمک کند. این فناوری نوظهور نه تنها در کسب و کارها، بلکه در زندگی روزمره ما نیز تأثیرگذار است. هوش مصنوعی (Artificial Intelligence یا AI) به مجموعه‌ای از فناوری‌ها و



الگوریتم‌ها گفته می‌شود که به ماشین‌ها اجازه می‌دهد تا مانند انسان‌ها عمل کنند و تصمیمات هوشمندانه بگیرند. این فناوری به سیستم‌ها و دستگاه‌ها این توانایی را می‌دهد که از تجربیات گذشته یاد بگیرند و بدون نیاز به دستورالعمل‌های مستقیم از انسان‌ها، وظایف مختلف را انجام دهند. هوش مصنوعی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: هوش مصنوعی ضعیف (Narrow AI) و هوش مصنوعی قوی (General AI). هوش مصنوعی ضعیف در حال حاضر به طور گسترده‌ای در زندگی روزمره استفاده می‌شود. این نوع هوش مصنوعی محدود به وظایف خاص بوده و نمی‌تواند خارج از دامنه مشخص خود عمل کند. در مقابل هوش مصنوعی قوی به ماشین‌هایی اشاره دارد که به طور کامل توانایی انجام هر نوع وظیفه‌ای را دارند که انسان‌ها قادر به انجام آن هستند. این نوع هوش مصنوعی هنوز در مراحل ابتدایی توسعه قرار دارد و تحقق آن به آینده‌ای دور تعلق دارد (ر.ک: عباس‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

۲-۳: فقه

واژه فقه در لغت به معنای فهم عمیق و دقیق است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۹، ص ۱۲۳؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۹) و در اصطلاح علمی، به دانش استنباط احکام شرعی از منابع تفصیلی دینی اطلاق می‌شود (شهابی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۶). این احکام شرعی در واقع مجموعه‌ای از قوانین و مقررات الهی است که توسط شارع مقدس اسلام برای ساماندهی امور دنیوی و اخروی افراد و جامعه وضع شده است (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۸).

از بررسی سیر تحول معنایی واژه فقه درمی‌یابیم که این اصطلاح در آغاز به معنای عام فهم عمیق و بینش دقیق در تمام شئون دینی به کار می‌رفت. آیه شریفه «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (توبه/۱۲۲) بر همین معنای گسترده تأکید دارد که فقه را معادل بصیرت و ادراک ژرف در امور دینی قلمداد می‌نماید. در این دوره، فقه به عنوان دانشی جامع که تمام ابعاد معرفت دینی را دربرمی‌گرفت، مورد استفاده قرار می‌گرفت. با گذشت زمان و به ویژه در عصر صادقین (ع) که شاهد تفکیک و تخصصی شدن علوم دینی بودیم، معنای فقه به تدریج محدودتر شد. در این دوره، علوم مختلفی مانند کلام، تفسیر و اخلاق به عنوان رشته‌های مستقل از فقه تفکیک شدند و فقه در معنای خاص خود به دانش استنباط احکام عملی شریعت از ادله تفصیلی اختصاص یافت. این تحول بیشتر ناظر به محدوده موضوعی فقه بود و ماهیت اصلی آن که همان ادراک دقیق و فهم عمیق است، تغییری نکرد. در واقع، فقه در عین حفظ جوهر اصلی خود که همان ژرف‌نگری و دقت‌ورزی است، به دانشی تخصصی در حوزه احکام عملی دین تبدیل شد. این تحول تاریخی اگرچه دامنه شمول فقه را محدودتر کرد، اما به هیچ‌وجه از عمق و ظرافت آن نکاست، بلکه برعکس، باعث شد این علم به صورت تخصصی‌تر و نظام‌مندتر به بررسی دقیق‌تر احکام شرعی بپردازد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۳۷).

۳-۳: ایضاح کاربست هوش مصنوعی در فقه

مراد از کاربست هوش مصنوعی در فقه، بهره‌گیری هدفمند و راهبردی از فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرآیند پژوهش در آرای فقهی، آموزش دانش فقه، استنباط و اجتهاد در احکام مستحدثه و مواردی از این قبیل می‌باشد. چنین کاربردی می‌تواند به اشکال و انحای گوناگونی از قبیل تحلیل، تولید محتوا، شناسایی الگوها، تطبیق قواعد یا پیشنهاد حکم و مواردی از این دست به منصفه ظهور برسد. البته این ورود، در قالب‌های مختلفی می‌تواند بروز و ظهور یابد؛ از باب نمونه در فرایند استنباط، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تحلیلی در فهم و تطبیق متون فقهی و اصولی ایفای نقش نموده و به‌عنوان مثال موجب تسریع در یافتن آیات و روایات مرتبط با یک مسئله خاص فقهی گردد. در بخش بعدی این کاربردها به نحو تفصیلی مورد ارزیابی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

۳-۴: ضرورت تعامل فقه و هوش مصنوعی

بنظر می‌رسد ضرورت به کارگیری هوش مصنوعی در دانش فقه را باید در بستر تحولات گسترده عصر حاضر و نیازهای نوظهور جامعه اسلامی بررسی کرد. فقه به‌عنوان دانشی پویا که همواره با مسائل مستحدثه و نیازهای متغیر بشر سروکار داشته است، امروزه بیش از هر زمان دیگری نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای نوین برای پاسخگویی به چالش‌های پیچیده دنیای معاصر است. هوش مصنوعی با قابلیت‌های منحصر به فرد خود در پردازش حجم انبوهی از اطلاعات، کشف الگوهای پنهان و تحلیل روابط میان متون، می‌تواند به‌عنوان دستیار توانمند در خدمت فقها و پژوهشگران حوزوی قرار گیرد.

توضیح آنکه در دنیای امروز که حجم داده‌های فقهی و منابع دینی به‌صورت تصاعدی رو به فزونی نهاده است، روش‌های سنتی تحقیق و استنباط به تنهایی پاسخگوی نیازهای جامعه نخواهد بود. از این حیث، هوش مصنوعی قادر خواهد بود با طبقه‌بندی هوشمندانه متون ناظر به فقه، تحلیل روابط میان آیات و روایات (کتاب و سنت)، و حتی پیشنهاد استنباط‌های اولیه با اساس الگوی اجتهادی فقیهان برجسته (مانند صاحب‌جواهر یا محقق‌خویی)، زمان و انرژی فقها را برای تأملات عمیق‌تر آزاد سازد. این فناوری می‌تواند با ایجاد پایگاه‌های دانش، دسترسی سریع به آرای فقهای مختلف در بستر تاریخ فقه را فراهم ساخته و بدین ترتیب، فرآیند استنباط را غنی‌تر و جامع‌تر نماید.

۳-۵: حکم تکلیفی بهره‌گیری از هوش مصنوعی

پیش از پرداختن به محاسن و معایب یا فرصت‌ها و چالش‌های کاربست هوش مصنوعی در دانش فقه، شایسته می‌نماید بدین سؤال پاسخ داده شود که آیا کاربست هوش مصنوعی در علم فقه، به لحاظ صنعت فقهی، مشروع و مجاز است یا خیر؟



ناگفته نماند حکم تکلیفی در فقه اسلامی، به احکامی اطلاق می شود که وظیفه عملی مکلف را مشخص کرده و بر پنج قسم طبقه بندی و تقسیم می شود: ۱- واجب (عملی است که انجامش بر مکلف لازم است). ۲- حرام (عملی است که ترک آن بر مکلف لازم است). ۳- مستحب (عملی است که انجامش بر مکلف مطلوب است و پاداش دارد ولی ترک آن عذاب ندارد). ۴- مکروه (عملی است که ترک آن مطلوب است و پاداش دارد ولی انجامش عذاب ندارد). ۵- مباح (عملی است که انجام و ترک آن بر مکلف مساوی بوده و به عبارتی نه عذابی دارد و نه پاداشی). (ر.ک: صدر، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰؛ حکیم، ۱۴۱۸، ص ۵۸).

با توجه به مراتب مزبور، بنظر می رسد مطابق اصل اباحه (یعنی در فرض شک و عدم وجود دلیل بر منع، اصل را بر جواز عمل گذاشتن)، می توان چنین اظهار داشت که استفاده از هوش مصنوعی مجاز و مباح می باشد. شیخ طوسی در این زمینه معتقد است: «ان الأصل الإباحه فی جمیع الأشياء فمن ادعی التحريم فعلیه الدلاله و علیه إجماع الفرقة» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۸). اصل اولیه در تمام اشیا، اباحه است و بار اثبات حرمت بر عهده کسی است که مدعی حرام بودن است و این امر محل اتفاق فقهاست. ابن ادریس نیز در این زمینه با شیخ طوسی هم رأی است آنجا که می نویسد: «ان التحريم یحتاج إلى دلاله شرعیة، لأن الأصل فی الأشياء الإباحه» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۰۴).

بنابراین از آنجا که هوش مصنوعی، فی نفسه شیء یا ابزار بوده و دلیلی شرعی بر حرمت به کارگیری آن وجود ندارد، اصل بر جواز استفاده از آن می باشد. توضیح آنکه بر مبنای این قاعده کلی که ریشه در متون دینی و روایی داشته و حتی برخی تصریح کرده اند که مشهور در میان فقهای امامیه این است که حکم عقل و شرع، هر دو، بر اصالت اباحه قائم است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۳)، تمامی اشیا و امور در اصل بر حلیت و جواز استوارند، مگر آنکه دلیلی معتبر بر حرمت یا ممنوعیت آنها وجود داشته باشد. از این حیث در باب هوش مصنوعی نیز تا زمانی که دلیل قطعی بر حرمت یا ممنوعیت استفاده از آن در منابع شرعی یافت نشود، اصل بر جواز و اباحه آن خواهد بود؛ زیرا هوش مصنوعی به خودی خود یک ابزار خنثی تلقی شده و حکم اولیه آن مانند دیگر پدیده های جدید مانند چاپ، تلگراف و... منطبق با اصل اباحه خواهد بود. البته باید توجه داشت این مطلب، هرگز به معنای بی قید و شرط بودن استفاده از هوش مصنوعی نیست، بلکه بدین معناست که بار اثبات حرمت یا بر عهده کسی است که مدعی چنین امری می باشد. لذا از باب نمونه اگر هوش مصنوعی در زمینه ای مانند قمار، نشر اکاذیب یا نقض حریم خصوصی به کار رود، طبیعتاً تابع احکام خاص آن اعمال خواهد بود.

۴- فرصت ها (مزایای) کاربست هوش مصنوعی در فقه

در این بخش، به ظرفیت ها و امکانات مثبتی که فناوری هوش مصنوعی می تواند در خدمت دانش فقه قرار دهد، با نگاه تحلیلی و مبسوط پرداخته می شود.

۴-۱: تسریع و تسهیل فرآیند استنباطات فقهی

فرآیند استنباطات فقهی از دیرباز تا روزگار کنونی، همواره نیازمند دقت، بذل وقت، مطالعه گسترده و ژرف و تسلط عمیق بر منابع و مستندات گوناگون ناظر به دانش فقه بوده است؛ چه‌اینکه فقیه یا پژوهشگر فقه برای استخراج و تحلیل حکم شرعی، افزون بر تسلط و تبحر در علوم گوناگونی از قبیل آشنایی با ادبیات عرب، کلام، منطق، اصول فقه و علوم از این قبیل که برای اجتهاد ضرورت داشت (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۶۲؛ انصاری، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۸۴)، می‌بایست در منابع متعددی فحوص و جست‌وجو نموده، آیات و روایات ناظر به مسئله، میراث مکتوب فقهی و قواعد رجالی و اصولی را در کنار یکدیگر گذاشته، مناسبات میان آن‌ها را درک کرده و در نهایت به یک جمع‌بندی می‌رسید که با اصول و قواعد اجتهاد سازگار باشد. پیمایش این مسیر، گرچه در ذات خود ارزشمند است، اما در عین حال به شدت زمان‌بر و پیچیده بوده و تسلط بر همه این موارد، گاه چند دهه از عمر فقیه را به خود مصروف می‌داشت.

با وجود این، پس از پیشرفت تکنولوژی، بنظر می‌رسد هوش مصنوعی، به عنوان یک ابزار قدرتمند، می‌تواند نقش بسزایی در تسهیل و تسریع این فرآیند ایفا نماید. البته نه به معنای اینکه جایگزین فقیه گردد، بلکه به‌عنوان دستیار علمی که اطلاعات لازم را فراهم کرده، داده‌ها را سازمان‌دهی نموده و فقیه را در کشف حکم شرعی یاری رساند. از باب نمونه آیات و روایات مرتبط با موضوع خاص فقهی را یافته و در اختیار فقیه قرار دهد؛ یا اینکه اقوال فقهی موجود در میراث فقهی را دسته‌بندی کرده و مستندات هر یک از دیدگاه‌ها را استخراج نماید. از این حیث فناوری هوش مصنوعی قادر خواهد بود متون گسترده‌ای را که در فرآیند استنباط مداخلت دارند، به صورت هوشمند دسته‌بندی و تحلیل نماید. مثلاً اگر شخص فقه‌پژوه بخواهد مسئله مالکیت در فضای متاورس را بررسی کند، این فناوری می‌تواند با سرعت تمامی منابع مرتبط با مالکیت، فضای مجازی، اموال غیرمادی و مواردی از این دست را استخراج کرده و در اختیار پژوهشگر قرار دهد؛ کاری که اگر بدون ابزارهای هوشمند انجام پذیرد، ممکن است مستلزم صرف ساعت‌ها یا روزها زمان و بررسی دستی صدها منبع باشد. برای تقریب به ذهن و ذکر نمونه‌ای دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند با برنامه‌نویسی و الگوریتمی معین، اقوال فقهای مختلف در مورد یک مسئله را به‌صورت تطبیقی تنظیم و مقایسه کند. این قابلیت به فقیه این امکان را می‌دهد که در کوتاه‌ترین زمان ممکن، آرای مختلف را مشاهده کرده و زمینه‌ها و دلایل آن را بشناسد و تصمیم بگیرد کدام دیدگاه با مبانی فقهی سازگاری بیشتری دارد. مثلاً اگر بخواهد دیدگاه فقهای متقدم و متأخر را در باب قتل اکراهی، قتل در فراش و مواردی از این قبیل بداند، دیگر لازم نیست به بررسی یک‌یک کتب فقهی به صورت جداگانه بپردازد؛ بلکه یک سامانه هوشمند قادر خواهد بود با دقت تمام، اقوال ناظر به مسئله را در کنار یکدیگر نشانده و حتی ظرایف و مواضع اختلاف آن‌ها را به دقیق‌ترین شکل ممکن ترسیم نماید.



یکی دیگر از کارکردهای شایان توجه هوش مصنوعی، می‌تواند مساعدت در تحلیل، ربط و تقدم و تأخر ادله فقهی در مقام تعارض با یکدیگر باشد؛ چه اینکه گاه ممکن است، در یک مسئله قواعد و اصول چندی وجود داشته باشد که تشخیص حجیت و اعتبار و تقدم یا تأخر آنها، کار ساده‌ای نباشد. در این راستا، هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل آماری و نظام‌مند از کاربرد این قواعد و اصول در احکام و موارد مشابه در متون فقهی، الگوی معتبری به دست داده و از این رهگذر به یاری فقیه بپردازد.

البته تأکید می‌شود که نباید گمان کرد استفاده از فناوری مزبور، به یک‌باره فقیه را از فحوص و درنگ در ادله فقهی بی‌نیاز خواهد ساخت؛ بلکه باید توجه داشت ابزار هوش مصنوعی، صرفاً نقش آلی داشته و به مثابه دستکاری برای فقیه می‌باشد؛ لذا در نهایت ترجیح یک قول از میان اقوال فقهی و برگزیدن یک دلیل از میان مستندات و ادله گوناگون موجود، همچنان نیازمند اعمال اجتهاد و قوه استنباط فقیه خواهد بود. با این حال، تسریع در روند تحصیل مواد و اطلاعات مقدماتی استخراج حکم، به فقیه این فرصت را می‌دهد که وقت و توان بیشتری، صرف مراحل نهایی تحلیل و اجتهاد فقهی نماید. بنابراین در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که هوش مصنوعی نه تنها می‌تواند موانع دستیابی به اطلاعات مورد نیاز فقیه را کاهش دهد، بلکه قادر خواهد بود فرآیند استنباط را نیز منظم‌تر، دقیق‌تر و شفاف‌تر سازد. چنین ضرورتی خاصه در روزگار معاصر که با سیل فزاینده موضوعات و مسائل نوپدید مواجه است، می‌تواند گام بلندی در ارتقای کارآمدی فقه و همراهم سازی آن با تحولات و دگرگونی‌های پرشتاب عصر جدید باشد.

۲-۴: ایجاد بانک اطلاعات و داده‌های فقهی

بنظر می‌رسد یکی دیگر از ظرفیت‌های برجسته هوش مصنوعی در فرض بحث، ایجاد پایگاه‌هایی است که حاوی ملزومات و اطلاعات مورد نیاز در علم فقه می‌باشند. این پایگاه‌ها با استفاده از فناوری‌های نوین، می‌توانند حجم عظیمی از متون و اطلاعات فقهی را به شکلی منظم و با قابلیت جست‌وجو، در اختیار پژوهشگران عرصه فقه، طلاب علوم دینی، قضات محاکم دادگستری و حتی عموم مردم قرار دهند. البته تفاوت بنیادی چنین پایگاه‌هایی با مدل سنتی و رایج آن، در این خواهد بود که دیگر صرفاً شامل یک مجموعه از کتب فقهی نخواهند بود؛ بلکه توانایی‌هایی بسیار پیشرفته‌تری خواهند داشت. از باب نمونه طبقه‌بندی میراث فقهی در این مدل، صرفاً براساس نام یا اهمیت کتاب یا تاریخ نگارش و تقدم و تأخر زمانی آنها نخواهد بود، بلکه قادر خواهد بود بر پایه محتوا و موضوعات، دسته‌بندی دقیقی از کتب و آرای موجود ارائه نماید. از این حیث، پژوهشگر عرصه فقه، دیگر نیازی نخواهد داشت با صرف وقت بسیار، به دنبال یک موضوع خاص در آرای فقهی بگردد، بلکه با جست‌وجوی هوشمند در پایگاه، به سرعت به منابع دسته‌بندی شده و دقیق دست خواهد یافت. همچنین برخلاف برنامه‌های سنتی که جست‌وجو در منابع صرفاً با نگارش واژه به صورت دقیق صورت می‌پذیرد، پایگاه‌های مجهز به هوش مصنوعی قادر خواهند بود جست‌وجوی مفهومی و معنایی نیز داشته باشند. از باب نمونه اگر

کسی در پی استخراج احکام ناظر به مشارکت در پروژه‌های رمز ارز باشد، سیستم هوشمند می‌تواند بفهمد که عنوان مزبور، با مفاهیمی مانند بیع، شرکت، مالیت، غرر، قمار، ربا و اصطلاحاتی از این دست ارتباط دارد. این توانایی منجر به این امر خواهد شد که پژوهشگر به اطلاعات ژرف‌تری دسترسی یافته و از سطح واژگان عبور کرده و به عمق مفاهیم فقهی برسد. همچنین یکی دیگر از کارکردهای بسیار مهم چنین پایگاه‌هایی این خواهد بود که این بانک‌ها، می‌توانند ابزار مناسبی برای نهادهای اجرایی، تقنینی و قضایی به شمار روند. برای مثال، شورای نگهبان، مجلس قانون‌گذاری یا دستگاه قضا، می‌توانند با مراجعه به چنین سامانه‌هایی، برداشت‌های دقیق‌تر، سریع‌تر و مستندتری از فقه اسلامی در مواجهه با پرونده‌های قضایی یا مسائل روز داشته باشند. از باب نمونه هوش مصنوعی می‌تواند به دستگاه قضا و به طور خاص قضات دادگستری کمک نماید آرای قضایی مشابه در پرونده‌های پیشین را شناسایی کرده و در اختیار ایشان قرار دهد. این امر به نوبه خود می‌تواند به تسریع در روند صدور حکم قضایی منجر گردد.

۴-۳: تسهیل آموزش فقه

بی‌تردید آموزش دانش فقه (به‌ویژه احکام شرعی مورد نیاز جامعه)، در طول تاریخ حوزه‌های علمیه، همواره یکی از ارکان اصلی تربیت دینی به شمار می‌رفته است؛ به طوری که برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند فراگیری مسائل حلال و حرام بر مکلف واجب است: «الواجب علی کل مکلف أن يتعلم الأحكام الشرعية فی المسائل التي یحتمل ابتلاء بها» (تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۹؛ خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۹۶۰). همچنین تأکید شده است که دانستن و فراگیری، سپس عمل به احکام شرع و فروع فقهی، که هر روزه در تمام زوایای زندگی با آن سر و کار داریم، امری روشن و بدیهی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۷).

این آموزش در گذشته (و حتی در اکثر موارد در زمان حال) عمدتاً به صورت حضوری و با اتکا به تدریس استاد و مطالعه متون انجام می‌پذیرد. بنظر می‌رسد هرچند این شیوه جایگاه ارزشمند خود را دارد، لکن در عصر جدید، با گسترش فناوری و ورود ابزارهای نوین ارتباطی، فرصت تازه‌ای برای توسعه و تعمیق آموزش فقه پدید آمده است. یکی از مهم‌ترین این فرصت‌ها، کاربست هوش مصنوعی در نظام آموزشی فقهی است. توضیح آنکه هوش مصنوعی می‌تواند نقش قابل توجهی در دسترسی، فهم، تعامل و علاقه‌مندی بیشتر طلاب و حتی عموم مردم به فقه ایفا نماید.

یکی از قابلیت‌های برجسته هوش مصنوعی، طراحی مدرس مجازی یا معلم هوشمند است. این معلم می‌تواند براساس سطح علمی و علایق هر طالب علم، مسیر آموزشی خاصی پیشنهاد دهد. مثلاً اگر طلبه‌ای در مرحله ابتدایی قرار دارد، معلم مجازی می‌تواند بسته به سطح مخاطب، درس‌هایی از کتاب‌های مناسب وی انتخاب کرده، نکات کلیدی را توضیح دهد و تمرین‌هایی متناسب ارائه نماید. همانگونه که مشخص است چنین آموزشی کاملاً می‌تواند با سطح علم‌آموز تناسب داشته باشد؛ یعنی هر طلبه یا دانشجو، دقیقاً متناسب سطح خود پیش رود و نه بر پایه یک برنامه واحد و غیرمنعطف برای همه



علم‌آموزان. همچنین با استفاده از فناوری‌های گفت‌وگوی هوشمند، می‌توان فضایی شبیه گفت‌وگو با یک استاد فقه طراحی کرد. در این الگو و مدل، کاربر می‌تواند سؤال بپرسد، اشکال وارد کند، مثال بزند و پاسخ دریافت کند. این نوع یادگیری، به‌ویژه برای نسل جدید که با ابزارهای دیجیتال خو گرفته‌اند، بسیار جذاب و کاربردی خواهد بود.

یکی دیگر از چالش‌های همیشگی تعلیم احکام، انتقال مفاهیم فقهی به مردم عادی به زبانی ساده و قابل‌فهم بوده است. بسیاری از احکام دینی، برای افراد عادی پیچیده جلوه می‌کنند یا به خاطر لحن خشک و تخصصی متون، چندان جذاب نیستند. در این‌جا نیز هوش مصنوعی می‌تواند مفید باشد و با طراحی سامانه‌هایی که زبان پیچیده فقهی را به زبان روزمره تبدیل می‌کنند، مردم عادی خواهند توانست پاسخ‌های روشن، ساده و دقیق به مسائل شرعی خود دریافت کنند؛ بی‌آنکه دچار سردرگمی شوند. این موضوع به نوبه خود به ارتباط بهتر مردم با نهاد دین یاری رسانده و پاسخ‌گویی به نیازهای دینی را تقویت می‌کند.

نکته دیگر آنکه هوش مصنوعی تنها در خدمت آموزش فردی نیست، بلکه می‌تواند در ساختار رسمی حوزه و دانشگاه نیز ایفای نقش نماید؛ مثلاً با طراحی سامانه‌های ارزیابی خودکار، دانشجویان و طلاب می‌توانند آزمون بدهند و بلافاصله بازخورد علمی دقیق دریافت کنند.

در مجموع باید گفت کاربری هوش مصنوعی در آموزش فقه، راه را برای آموزش تعاملی، ساده، هدفمند و متناسب با نیازها خواهد گشود. این فناوری نه تنها به یادگیری عمیق‌تر کمک می‌کند، بلکه آموزش احکام دینی را برای عموم مردم نیز آسان‌تر و جذاب‌تر می‌سازد.

۵. چالش‌های کاربری هوش مصنوعی در فقه

علی‌رغم اینکه در سطور فوق مشخص گردید هوش مصنوعی به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین فناوری‌های عصر حاضر، می‌تواند دارای مزایا و محاسن بسیار برجسته‌ای باشد؛ با این حال، استفاده از هوش مصنوعی در حوزه الهیات و فقه اسلامی، با پاره‌ای از چالش‌ها نیز مواجه می‌باشد که در ادامه در سه محور بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۵: وابستگی هوش مصنوعی به داده‌ها

یکی از چالش‌های بنیادین و کمتر مورد توجه در کاربری هوش مصنوعی در دانش فقه، وابستگی شدید این فناوری به داده‌ها و پیامدهای ناشی از کاستی، سوگیری، یا عدم اعتبار آن‌هاست؛ زیرا سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی اساساً بر پردازش داده‌ها و الگوهای استخراج‌شده از آن‌ها متکی می‌باشند. به همین جهت، اگر داده‌هایی که به سامانه‌های فقهی هوشمند داده می‌شود ناقص، تحریف‌شده، یا دارای سوگیری باشند، نتایج نیز دچار انحراف، تعمیم نادرست یا استنباط‌های اشتباه خواهد شد. این چالش به‌ویژه در فضایی چون فقه که عمدتاً ناظر به کوشش و جهد فقیه برای کشف حکم الله واقعی بوده و دارای پیامدهای معرفتی و عملی گسترده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۰، ص ۵۶)، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند.



یکی دیگر از چالش‌های بنیادی در بحث از هوش مصنوعی، ناتوانی این فناوری در دستیابی به چیزی است که در سنت فقیهان از آن تعبیر به «ملکه اجتهاد» می‌شود. یکی از اندیشوران امامی در این زمینه می‌نویسد: «مجتهد آن است که بالفعل ملکه اقتدار بر اجتهاد در کل مسائل و حالت استنباط جمیع فروع از ادله تفصیلیه و مدارک اصلیه، او را حاصل بوده باشد» (میرداماد، ۱۴۲۶، ص ۲۵۳). دانشوری دیگر از اجتهاد تعبیر به «مَلَكَةٌ قَدْ سَيَّءٌ وَ مَنَحَةٌ إِلَهِيَّةٌ» (ملکه‌ای قدسی و موهبتی الهی) می‌نماید (رک: تهرانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۴۰).

در هر حال، برخلاف بسیاری از حوزه‌های دانشی که با داده، آمار و قواعد صوری می‌توان در آن‌ها به سطحی از تحلیل یا تصمیم‌سازی دست یافت، دانش فقه، دانشی است که بنیان آن نه صرفاً بر دانستن منابع، بلکه بر شکل‌گیری ملکه‌ای درونی نیز استوار است. این ویژگی، فقه را به دانشی تبدیل کرده است که ابزارهای هوشمند اگرچه ممکن است در کمک به فرایندها مفید باشند، اما قطعاً نمی‌توانند جایگزین فقیه مجتهد شوند؛ زیرا آن‌چه از فقیه انتظار می‌رود، فراتر از فهم ظواهر نصوص، ادراک اغراض و مقاصد شارع نیز می‌باشد. در همین راستا یکی از فقهای معاصر معتقد است: «فقه در برابر تمام دین مسئول است و فقیه نمی‌تواند رأی صادر کند که با یکی از اهداف و مقاصد دینی ناسازگار باشد، مثلاً اگر حکمی و فتوایی با استقرار قسط و عدالت اجتماعی تعارض داشته باشد باید در آن تأمل بیشتری شود و با ملاحظه‌ای مجدد و نگاهی همه‌سویه و کشف بعضی از قیود و خصوصیات موضوع واقعی حکم، این تعارض مرتفع گردد و به هر حال لازم است اصل «هماهنگی با اهداف و مقاصد دین و روح شریعت» به مثابه اصلی از اصول استنباط، مورد توجه قرار گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۵۹).

باید توجه داشت که ملکه اجتهاد در ادبیات فقیهان، صرفاً یک حالت دانشی یا مهارتی نیست، بلکه صفتی نفسانی و دیر زوال می‌باشد که در شخص پدید آمده و او را بر استنباط احکام شرعی از ادله توانا می‌سازد و تحصیل و اکتساب آن برای همگان ممکن نیست.^۱

بنابراین اجتهاد، در بسیاری از مواقع، نیازمند عبور از ظواهر نصوص و غور در مقاصد ناظر به شریعت و فهم روح آن بوده و تحصیل چنین امری برای هوش مصنوعی به راحتی قابل تصور نمی‌باشد. به دیگر بیان اجتهاد، فرایندی صرفاً داده‌محور نیست، بلکه متکی به استنباطی خلاقانه و جامع است که برآمده از عمق درک و تجربه فقیه است و به همین جهت است که به کرات مشاهده می‌شود دو فقیه با دسترسی به منابع یکسان، به دو حکم متفاوت می‌رسند.

۱ یکی از فقیه‌ای معتقد است ملکه (قدرت اجتهاد) موهبتی الهی است که خداوند تعالی می‌تواند آن را به دست آورد، هرچند به طور کلی می‌توان آن را از طریق تلاش تقویت کرد؛ چراکه ملکه می‌شود گروهی هستند که با وجود صرف عمری در تحصیل ملکه عمیق نظری که لربه درک آنها نیستند. بلکه ملکه‌ها افرادی هستند که حتی پس از تلاش فراوان و کوشش بی‌وقفه، نمی‌توانند بخش اندکی از نظرها را فراگیرند. بنابراین روشن می‌شود که این ملکه (قدرت اجتهاد) برای اکثر مردم ملکه‌ای نیست و در نتیجه، اجتهاد بر آنها واجب نمی‌گردد، وگرنه تکلیف بر آنها می‌افتد. (تکلیف فراتر از توان) لازم می‌آید: «أن هذه الملكة أمر موهبي من اللّٰه علی، لا يمكن اكتسابه، وإن أمكن تقويته في الجملة. لکنه، فلما نرى أنه لا يمكنهم تحصيله، بل لا اعرفه في النظرية في الجملة، وإن صرفوا له، لهم في تحصيله، بل لا يمكنهم إلا تحصيل قليل من النظريات بعد الكد الم والسعي البهيم، فعلم أن هذه الملكة لا تحقّقها إلا أكثر من سراً، فلم يكن الاجتهاد واجباً عليهم، وإلا لزم التكليف بما لا يطيق» (ف. طهرانی، ۴۵، ص ۸۱، ۲)

بنابراین در جمع‌بندی نهایی باید گفت، یکی از چالش‌های مهم استفاده از هوش مصنوعی در فقه آن است که نباید از ابزاری تحلیلی، انتظار تصمیم‌گیری نهایی داشت؛ زیرا هوش مصنوعی فاقد ملکه اجتهاد است و نمی‌تواند جایگزین فقیه شود؛ هرچند می‌تواند برای فقیه ابزار مشاوره، دسته‌بندی مطالب و متون و سرعت‌بخشی به تحلیل منابع باشد. لذا مهم آن است که مرز میان فقیه و فناوری به دقت حفظ گردد. بدیهی است که اگر این مرزها مخدوش شود و ابزار جایگزین مرجع شود، نه تنها فرآیند اجتهاد مخدوش می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به فقه و مرجعیت نیز آسیب خواهد دید.

۳-۵. چالش مسئولیت‌پذیری در عامل هوش مصنوعی

یکی دیگر از چالش‌های بنیادین در زمینه کاربست هوش مصنوعی در دانش فقه، مسئله فقدان مسئولیت‌پذیری حقوقی و شرعی در این فناوری است. بدیهی است هر شخصی که در مقام داور یا افاده حکم شرعی قرار می‌گیرد، افزون بر احراز شرایط علمی، مکلف است در برابر گفته‌ها، نوشته‌ها و آرای خود، از منظر شرعی، اخلاقی و گاه قانونی پاسخگو باشد. اما هوش مصنوعی، نه انسان است، نه مکلف شرعی و نه دارای اراده آزاد؛ از این حیث نسبت‌دادن ضمان یا مسئولیت به این سامانه‌ها، با اشکالات جدی مواجه خواهد بود.

توضیح آنکه هوش مصنوعی، به‌ویژه در قالب مدل‌های زبانی یا سامانه‌های استنتاجی، همچون ماشینی است که براساس داده‌های ورودی، خروجی‌هایی تولید می‌کند. اما این امر نباید ما را از یک واقعیت بنیادین غافل کند و آن اینکه این ابزار نه فاعل مختار است، نه نیت‌مند و نه دارای درک اخلاقی؛ لذا از منظر فقهی، فقدان این موارد، به معنای عدم توجه بار ضمان، بر دوش سامانه‌های هوش مصنوعی است؛ چه اینکه در فقه از شروطی مانند بلوغ، عقل، قدرت و اختیار سخن گفته شده است که تمامی تکالیف شرعی، مقید به آن‌ها هستند: «لایثبت التکلیف إلاً بشروط: العقل و القدرة و البلوغ» (ایروانی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۳؛ نجفی، ۱۴۲۷، ص ۳۲).

این مسئله زمانی اهمیت مضاعف می‌یابد که خروجی‌های این سامانه‌ها، در حوزه‌هایی با پیامدهای عملی و شرعی مواجه گردند. از باب نمونه اگر هوش مصنوعی براساس تحلیل خود، به کاربری فتوا یا توصیه‌ای شرعی ارائه نماید و از این رهگذر ضرری به مکلف وارد شود یا عمل حرامی صورت پذیرد، چه کسی پاسخگو خواهد بود؟ آیا خود سامانه هوش مصنوعی باید مورد مؤاخذه قرار گیرد؟ یا مسئولیت بر عهده برنامه‌نویس، طراح، ناظر علمی، یا کاربر نهایی خواهد بود؟ بنظر می‌رسد حتی اگر عامل انسانی ملزم به پاسخ‌گویی قلمداد شود، این امر، خاصه در حوزه‌هایی مانند فتوا، داور یا صدور حکم، با چالش‌هایی مضاعف همراه است؛ زیرا مشخص نیست سهم مسئولیت میان طراح الگوریتم، تغذیه‌کننده داده، ناظر علمی، یا استفاده‌کننده نهایی چگونه باید تقسیم شود. در نتیجه، خروجی‌های هوش مصنوعی اگرچه ممکن است به ظاهر فنی و مستند به داده‌ها باشند، اما نمی‌توانند در جایگاه فتوا یا پاسخ شرعی قابل اتکا قرار گیرند؛ چراکه صدور فتوا، همواره ملازم با تعهد، مسئولیت و ضمان خواهد بود.



نهایتاً باید گفت با توجه به چالش‌های مزبور، به نظر می‌رسد کاربست هوش مصنوعی در فقه باید محدود به حوزه‌های کم‌خطر (مانند بازیابی اطلاعات، دسته‌بندی نظرات فقهی یا آموزش مباحث مقدماتی) شود و از به کارگیری آن در امور مهمه و مواضع خطیره (مانند مسائل کیفری و امور مرتبط با تمامیت جسمانی و دماء شهروندان) خودداری گردد؛ زیرا مادامی که مکانیزم‌های شرعی و حقوقی برای تعیین تکلیف مسئولیت هوش مصنوعی طراحی نشده‌اند، نمی‌توان به سیستم‌های هوشمند به عنوان مرجعی مستقل نظر افکند.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گذشت، تحلیل جامع فرصت‌ها و چالش‌های کاربست هوش مصنوعی در دانش فقه نشان می‌دهد که این فناوری در عین حال که ظرفیت‌های تحول‌آفرینی شگرفی دارد، با محدودیت‌های ذاتی و چالش‌های جدی مواجه است. از یک سو، هوش مصنوعی با قابلیت‌های منحصر به فرد خود در پردازش داده‌های انبوه، شنا سایی الگوهای پیچیده و ارائه تحلیل‌های سیستماتیک می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در خدمت پژوهش‌های فقهی قرار گیرد. توانایی این فناوری در تسریع فرآیند استنباط، ایجاد بانک‌های اطلاعاتی هوشمند و تسهیل آموزش فقه، گواهی بر این مدعاست. با این حال، ماهیت دانش فقه به عنوان علمی اجتهادی که مبتنی بر ملکه‌ای درونی و فهم عمیق از روح شریعت است، کاربست بی‌قید و شرط این فناوری را با تردیدهای جدی مواجه می‌سازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سه چالش بنیادین، استفاده گسترده از هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد را محدود می‌سازد: نخست، وابستگی ذاتی هوش مصنوعی به داده‌های ورودی که می‌تواند به سوگیری و اشتباه در تحلیل داده‌ها منجر گردد. دوم، فقدان ملکه اجتهاد در سیستم‌های هوشمند که آن‌ها را از درک ظرایف استنباط ناتوان می‌سازد. سوم، مسئله عدم مسئولیت‌پذیری شرعی و حقوقی هوش مصنوعی که به خلاء ضمانت اجرایی در قبال دیدگاه‌ها و تحلیل‌های صادره منجر می‌شود. با توجه به مراتب مزبور بنظر می‌رسد هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان دستگیری ماهر و زبده، فقیه را یاری‌رسان باشد؛ نه اینکه جایگزین وی گردد. در همین راستا به نظر می‌رسد موضع متعادل در قبال این فناوری، پذیرش کاربردهای محدود و کنترل‌شده آن در حوزه‌هایی مانند آموزش، بازیابی اطلاعات و طبقه‌بندی داده‌های فقهی است، در حالی که باید از به کارگیری آن در حوزه‌های حساسی مانند استنباط احکام کیفری یا به‌طور کلی امور مهمه شرعی و احکام ناظر به دماء خودداری شود. تحقق این تعادل نیازمند همکاری میان متخصصان فقه و کارشناسان هوش مصنوعی است تا مدل‌هایی توسعه یابد که هم از مزایای این فناوری بهره‌برد و هم از خطرات آن در امان بماند. لذا می‌بایست این فناوری را به نحوی مورد استفاده قرار داد که همزمان هم به پویایی فقه و هم به حفظ اصالت آن کمک نماید.

فهرست منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۰ق.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب (المحشّی)، دار الکتب، قم، ۱۴۱۰ق.
۳. ایروانی، باقر، دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، قم، دوم، ۱۴۲۷ق.
۴. تبریزی، جواد بن علی، صراط النجاة، دار الصدیقه الشهیده، قم، اول، ۱۴۲۷ق.
۵. تهرانی، سید محمد حسین، ولایت فقیه در حکومت اسلام، انتشارات علامه طباطبائی، مشهد، دوم، ۱۴۲۱ق.
۶. جناتی شاهرودی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران، کیهان، ۱۳۷۴ش.
۷. حسینی و همکاران، بررسی فقهی مسئولیت مدنی در فناوری هوش مصنوعی، پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، صص ۴۹-۶۶.
۸. حکیم، محمدتقی، الأصول العامة للفقہ المقارن، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۱۸ق.
۹. خمینی، سید روح اللّه موسوی، توضیح المسائل (محشّی - امام خمینی)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۲۴ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان، اول، ۱۴۱۲ق.
۱۱. سخاوتیان، سیدامیر، مفهوم شناسی هوش مصنوعی به مثابه مبدا تصوری فقه و حقوق هوش مصنوعی، پژوهش‌های زبان شناختی متون اسلامی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳، صص ۴۹-۶۳.
۱۲. شهابی خراسانی، محمود بن عبد السلام تربتی، ادوار فقه، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۳. شهابی، محمود، تقریرات اصول، چاپخانه علمی، تهران، ۱۳۲۱ش.
۱۴. شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، ۲ جلد، کتابفروشی مفید، قم - ایران، اول، بی‌تا.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشّی - کلانتر)، داوری، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۶. صدر، سید محمد باقر، المعالم الجدیة للأصول، تهران، مکتبه النجاش، ۱۳۹۵ق.
۱۷. طباطبائی، سیده فاطمه؛ بینش به نیا، الهه، حکم تکلیفی بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی از منظر فقه امامیه، فصلنامه حقوق اسلامی، سال نوزدهم شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱ش، صص ۶۹-۹۲.
۱۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ۶ جلد، کتابفروشی مرتضوی، تهران، سوم، ۱۴۱۶ق.
۱۹. طوسی، امجد بن حسن، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، ۱۴۰۷ق.
۲۰. عاملی، جمال الدین، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، مؤسسه الفقه، قم، اول، ۱۴۱۸ق.
۲۱. عباس زاده جهرمی، محمد، مقایسه تطبیق ذهن و هوش مصنوعی، جهرم، پیمان غدیر، ۱۳۹۰ش.
۲۲. فاضل تونی، عبداللّه بن محمد، الاجتهاد و التقليد، مجمع الفکر الإسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، منشورات دار الرضی، قم، اول، بی‌تا.
۲۴. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، دوازدهم، ۱۴۰۶ق.
۲۵. محمدیان امیری، مهدی؛ ایزدی فرد، علی‌اکبر، بررسی فقهی حکم آموزش کسب و کار با عامل هوش مصنوعی، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۹، شماره ۷۲، تابستان ۱۴۰۲ش، ۲۸۵-۲۶۲.
۲۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب للترجمة و النشر، تهران، اول، ۱۴۰۲ق.
۲۷. مطهری، شهید مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ۳ جلد، قم، صدرا، ۱۳۷۶ش.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، انتشارات مدرسه امام علی (ع)، قم، ۱۴۲۷ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، انتشارات مدرسه امام علی (ع)، قم، اول، ۱۴۲۷ق.



۳۰. منتظری، حسینعلی، مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، ارغوان دانش، قم، اول، ۱۴۲۹ق.
۳۱. میر داماد، محمدباقر، شارع النجاء فی أحكام العبادات، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، قم، ۱۴۲۶ق
۳۲. نجفی، بشیر حسین، مصطفی‌الدین‌القیم، دفتر حضرت آیه الله نجفی، نجف اشرف، اول، ۱۴۲۷ق.
۳۳. هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، مؤسسه دائره المعارف فقه، قم، ۱۴۲۶ق.